

منیر طه

این نخستین خونی بود که در حکومت مشروطه منکوبه ، سطح دانشگاه را رنگین کرد ، و ادامه یافت تا خلافت دیگر جباران و کاربرد همانندش و آن به وقت پادشاه فراری امریکایی بود که با یک اردنگی به داخل دروازه شوت شد و با همان اردنگی به خارج دروازه اوت .
روزنامه‌های نوکر دربار و میرآخوران روزنامه نگار نوشتند : سربازان تیراندازی هوایی کرده بودند . از جان گذشته ای هم نوشت : لابد دانشجویان بالای درخت نشسته بودند . ندانستم چه بر جانش آمد .

بر مزار بزرگ نیا ، قندچی و شریعت رضوی

جان باختگان ۱۶ آذر ۱۳۳۲

دوش رفتم بر سر خاک عزیزان مصدق
آنکه جان درباخته در پای پیمان مصدق
سر به سنگش کوفتم سردادم افغان مصدق
ناله ها برخاست از گور عزیزان مصدق :
کای رفیق مهربان جان تو و جان مصدق

ما به دام روبه مکروه مکار اوفتادیم
ما به کام گرگ خون آشام خونخوار اوفتادیم
ما نهال نوری بودیم و از بار اوفتادیم
ای خوشا جان باختیم آخر به پیمان مصدق
ای رفیق مهربان جان تو و جان مصدق

چون به کین خواهی درآمد دشمن پرکینه ما
دشمن پرکینه ما ، روبه گرگینه ما
ناله ای دیدی برآید از دل و از سینه ما ؟
ناله و ما؟! ناله و طفل دبستان مصدق؟!
ای رفیق مهربان جان تو و جان مصدق

ما به پای دوست با سوک تن و جان عهد بستیم
ما سر شمشیر دشمن را کنار جان شکستیم
ما به رنگ خونمان در دام اهریمن نشستیم
تا مگر آزاد گردد جان ایران مصدق
ای رفیق مهربان جان تو و جان مصدق

ما در این خاک سیه هم آتشی داریم و سوزی
آتشی داریم و سوزی از شرار دلفروزی
لیک ای افسوس ما را نیست دیگر آنکه روزی
سر گذاریم از سر شادی به دامان مصدق
ای رفیق مهربان جان تو و جان مصدق

گو رفیقان را که لرزد استخوان ها در بر ما
استخوان ها لرزد و لرزد دریده پیکر ما
این دریده پیکر ما ، این جدا از تن سر ما ،
روز و شب دل ناگران از بند و زندان مصدق
ای رفیق مهربان جان تو و جان مصدق

تهران ، دی ۱۳۳۲

